

روش‌های تربیت در آینه کلام وحی

سید محمد علی حسینی (زهرایی)^۱

چکیده

قرآن کریم، کتاب حیات‌بخش، تربیتی و هدایتی است که توانسته است پیام خودش را بدون محدودیت زمانی و مکانی، در تمام موضوعات به گوش جهانیان برسانده و سخن جدیدی را به بشر القا کند. یکی از موضوعات مهم در علوم انسانی، تربیت نسل بشر است که کلام وحی، درصد تبیین مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها، ساخت، عوامل و موانع تربیت بوده تا از این رهگذر جامعه سالم و مدینه فاضله را پایه‌گذاری کند. در این پژوهش سعی بر تبیین برخی از روش‌های تربیتی با استناد به آیات قرآن کریم است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، تربیت، روش‌ها.

مقدمه

نقش تربیت در زندگی انسان مانند جریان خون در شریان‌های تعبیه شده در انسان خواهد بود که حیات انسان بستگی تام به آن دارد؛ بدیهی است این مقوله مهم در زندگی آن گاه مثمر ثمر بوده و باعث رشد روزافزون معنوی و اخلاقی در جوامع بشری می‌گردد که روشمند ارائه گردد، در غیر این صورت نمی‌توان از آن چشم‌داشت اثر داشت. با توجه به اهمیت این مقوله در تربیت دینی و اسلامی در این وجیزه انواع روش‌ها را به صورت گزیده مطرح خواهیم کرد.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. تربیت

تربیت معنای وسیع و گسترده و در عین حال پیچیده دارد. هرکدام از دانشمندان طبق تخصص خود از آن تعاریفی متفاوت ارائه کرده‌اند که به نمونه‌های اشاره می‌کنیم:

۱.۱.۱. تربیت در لغت

واژه تربیت مصدر باب تفعیل است. در قرآن ریشه‌ای که بهترین و مناسب‌ترین معنای واژه تربیت را افاده می‌کند، واژه رب (ر ب ب) است.

بیشتر لغت‌شناسان، واژه «تربیت» را از ریشه «رب ب» گرفته‌اند: «رَبّ: در اصل به معنی تربیت و پرورش است، یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد». (راغب اصفهانی) در این صورت رشد معنوی و روحی متربی مراد است.

و برخی دیگر واژه تربیت را از ماده «ربو» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن دانسته‌اند. تربیت از ریشه «رَبَوَ» و باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده است و در مشتقات مختلف آن، می‌توان این معنا را به نوعی باز یافت. (مصطفوی: ۱۳۶۸، ج ۴: ۲۲) که در این صورت به معنای رشد جسمی لحاظ می‌شود.

تعریف اول، مناسب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا موضوع تحقیق، آن تربیتی است که خصوصیات ناپسند اخلاقی را زدوده و ویژگی‌هایی پسندیده را تقویت کند.

۱. ۱. ۲. تربیت در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان علوم تعلیم و تربیت، تعاریف متعدد برای آن بیان گردیده که ذیلاً بدان اشاره کرده و در آخر تعریف جامع را ارائه خواهیم کرد:

- پستالوزی دانشمند تعلیم و تربیت سوئسی می‌گوید: «پرورش عبارت است از رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه نیروها و استعدادهای آدمی». (عیسی صدیق)
- هربرت اسپنسر فیلسوف مشهور انگلیسی گفته است: «تربیت عبارت است از آماده ساختن انسان برای آن که بتواند یک زندگی کامل داشته باشد». (ادیب: ۸۵-۸۴)
- شهید مطهری می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌یی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن». (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۶)

برخی از دانشمندان تعریف‌های دیگری از تربیت کرده‌اند، از جمله «انتقال معلومات و مهارت‌ها»، «تشکیل عادات و صفات معین در فرد»، «به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای انسان»، «آماده کردن خود برای زندگی در اجتماع معین»، «ایجاد محیط مساعد برای ارضای رغبت‌های فرد». (بهشتی)

ولی با توجه به دامنه وسیع و گسترده تربیت، در یک تعریف ترکیبی تعریف زیر، نسبت به سایر تعاریف مناسب‌تر به نظر می‌رسد:

تعلیم و تربیت عبارت است از: «مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر (متری یا متریبان) بر اساس برنامه‌سنجیده». (داوودی: ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۲)

بنابراین تعریف این نتیجه به دست می‌آید که اولاً تنها معلم یا استاد دانشگاه مربی نیست، بلکه هر فردی که بر اساس برنامه‌سنجیده و به عمد، اعمالی انجام دهد تا در شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات و عواطف یا رفتاری دیگری تأثیر بگذارد، مربی است. ثانیاً محیط تربیت، محدود به مدرسه و دانشگاه و سایر مراکز آموزشی نیست، بلکه هر محیطی که این فرایند در او اتفاق بیفتد محیط تربیتی است. (داوودی: ۱۳۸۳، ج ۲:

۲.۱. تعریف روش

«روش» در لغت به معنای طرز طریقه، قاعده، قانون و شیوه است. مراد از روش‌های تربیتی، شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی جهت تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می‌بندد.

مراد از روش، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف قرار دارد و عمل تربیتی را منظم می‌کند و به هدف می‌رساند. (احمدی: ۱۳۶۳: ۱۴۹)

روش (method) که در لغت به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده است، ناظر به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی است. (دهخدا: ذیل واژه روش) به همین مناسبت، در علوم نظری، روش به راه یا قاعده‌ای اطلاق می‌شود که برای کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی، مانند اخلاق، سیاست و تعلیم و تربیت به راهی که برای رسیدن به هدف عملی اتخاذ می‌شود آمده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۹۱)

۲. جایگاه روش‌ها در تربیت

شاید کمتر کسی درباره ضرورت و لزوم تربیت دینی در زندگی شک و تردید داشته باشد، زیرا با اندک تأملی روشن می‌شود که سعادت انسان در گرو تربیت دینی است. تربیت دینی می‌تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم‌تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وادارد.

در اهمیت تربیت دینی همین بس که انگیزه بعثت انبیا در اصل بر همین هدف استوار است و قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان‌سازی است در پاره‌ای از آیات به طور صریح به تربیت دینی فرزندان پرداخته، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگه‌دارید». (تحریم: ۶)

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾؛ «بگو: زیانکاران واقعی آنان‌اند که سرمایه وجود خویش و خانواده [بستگانشان] را در روز قیامت از دست داده‌اند». (زمر: ۱۵)

این دو آیه مبارکه ما را متوجه اهمیت تربیت در دین اسلام نموده و اینکه با تربیت صحیح فرزندانمان سعادت دنیا و آخرت خود، خانواده و فرزندانمان را تأمین نماییم و گر

نه به عنوان یک پدر و مادر دلسوز و متولی تربیتی نتوانسته‌ایم به مسئولیت اصلی خویش به نحو شایسته عمل کنیم.

شناسایی انواع فعالیت‌ها که در واقع راه‌های دستیابی به هدف‌اند، از جمله ملزومات تهیه برنامه‌هاست، زیرا برنامه‌ریزی مطلوب درگرو تعیین همه راه‌های ممکن و انتخاب بهترین راه بر اساس استدلال و توجیه معقول است. به این ترتیب، تشخیص انواع راه‌های ممکن برای وصول به اهداف تعلیم و تربیت که روش‌های تعلیم و تربیت نامیده می‌شوند، ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، روش‌ها در تعلیم و تربیت یکی از مؤلفه‌های مهم آن به شمار می‌رود.

اگر روش‌های تربیت مد نظر گرفته نشود و نسبت به آن اهمال و کوتاهی صورت گیرد، هیچ مربی نمی‌تواند مدعی تربیت مطلوب در اندیشه دینی باشد. روش‌ها خود عامل مهم در بسط و گسترش مبانی، اهداف، اصول و ساحت‌های تربیتی هستند.

۳. انواع روش‌های تربیتی

در تربیت مانند هر کاری دیگر و برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب باید از روش‌های مختلف و متنوع آن بهره جست در غیر این صورت نمی‌توان از آن به مقصد رسید. روش‌ها نیز وسیع و گسترده‌اند و هرکسی از زاویه‌ای خاصی به روش‌ها پرداخته‌اند. بدون شک، وجود و به کارگیری ابزار و شناخت روش و شیوه در هر کاری نقش اساسی داشته و حرف نخست را در پیشرفت هر کاری می‌زند، تربیت به عنوان یک کار ارزشمند دینی نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده و برای به ثمر نشستن آن، هم نیازمند ابزار و هم نیازمند ارائه شیوه مناسب برای به بار نشستن تلاش‌های بی‌وقفه یک مربی می‌توان بود؛ بنابراین مربی دینی و اسلامی باید شیوه‌ها و روش‌هایی تربیت و تأثیر آن در جامعه را شناسایی کرده و از آن بهره گیرد، شیوه‌هایی که در تأثیرگذاری تبلیغ و تربیت نقش اساسی و کلیدی دارند.

در این مورد برخی از روش‌ها و شیوه‌ها را برای بهبودی کار تربیتی و به نتیجه رسیدن تلاش مربیان گرامی می‌آوریم، باشد تا با تبیین این روش‌ها و آشنا نمودن والدین فرزندان با این شیوه‌ها شاهد پویایی تربیت دینی در جوامع اسلامی باشیم.

۳.۱. روش بینش یا بصیرت دهی

در این روش سعی بر آن است که طرز تلقی آدمی از امور، دگرگون شود، ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی رفتارها و اعمال آنان است. (باقری، ۱۳۸۲: ۷۵) بر مری لازم است که با ایجاد بینش و بصیرت دهی به مرتبی، او را در سیر مراحل انسانی و شناخت مسیر صحیح کمک کند.

خودشناسی، پایه و محور خداشناسی است، چنان که در سخن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده: است: «هر کس خود را شناخت خدا را شناخته است». (حکیمی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۱۲) امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام بالاترین مرتبه خرد را خودشناسی و معرفت به خود بیان می‌دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۳۵۲)

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «چه بسیار مواهب و قدرت‌ها و استعدادهاست که در دسترس قرار نمی‌گیرد و از آن‌ها سودی حاصل نمی‌شود، بدان جهت که شناخته نشده و کشف نشده است و در گوشه‌ها مجهول مانده و خردخرد از میان رفته است». (حکیمی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۶۲) اگر وی به چنین معرفتی دست یابد، می‌تواند رابطه‌ای منطقی با خویشتن برقرار سازد و به سازگاری فردی دست یابد و عوامل مؤثر در تباهی و سقوط آدمی را درک کند. (شرفی، ۱۳۸۹: ۲۹) بنابراین روش بصیرت‌دهی در مرتبی فوق‌العاده اهمیت دارد تا خودشناسی صورت نگیرد دسترسی به معارف و خالق شناسی محال به نظر می‌رسد.

۳.۲. روش الگویی

انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگو طلب و الگوپذیر است و بدین سبب یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌هایی تربیت ارائه نمونه و تربیت عملی است. در این روش نمونه عینی و قابل تقلید و پیروی در برابر مخاطب قرار می‌گیرد که در صورت مقبولیت، مخاطب تلاش می‌کند در همه چیز خود را همانند الگوی مطلوب سازد و گام در جای گام او نهد و بدو تشبه نماید. به همین جهت خداوند در قرآن کریم، برای بشریت الگو معرفی کرده است، چنان که فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾. (احزاب: ۲۱)

«برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».

هم‌چنین حضرت ابراهیم علیه السلام و یارانش نیز به عنوان الگوی جهانیان معرفی گردیده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...» (ممتحنه: ۴)

در روایات اسلامی نیز به روش الگویی پرداخته شده است که از باب نمونه به چند روایت بسنده می‌کنیم:

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به نقش والدین در الگو بودن فرزندان چنین فرموده است: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِهِ وَيُنَصْرَانِهِ وَيَمَجْسَانِهِ؛ هر مولودی بر فطرت الهی زاده می‌شود، مگر والدین او را یهودی، نصرانی یا مجوسی کنند» (شیخ صدوق: ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۹)

در این روایت، والدین از نظر رفتار و گفتار و تمام حرکات و سکنات، می‌تواند الگوی گفتاری و رفتاری برای فرزندان قرار گیرد، چون آنان همیشه و در طول شبانه‌روز در کنار فرزندان هستند و نقش اساسی را در الگوی دهی فرزندان ایفا می‌کنند.

می‌دانیم که فرزندان از پدر و مادر بیش از دیگران تأثیر می‌گیرند. از این رو، همواره دین و مذهب و اخلاق و گرایش‌هایی آنان را می‌پذیرند. به دنبال آنان از چهره‌های معروف در زمینه‌های گوناگون اخذ الگو می‌کنند و امروزه نیز چهره‌های هنری و ورزشی بیش از دیگر چهره‌ها موردحمایت فرزندان ما هستند، مریبان دینی باید الگوهای مناسب را برای فرزندان مسلمان معرفی نمایند و الگوها را نیز بشناسند.

همان‌گونه که گفتیم نخستین افراد الگو برای فرزندان پدر و مادرند. (افروز: ۶۵-۶۱) امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطُّونَ أَنْكُمْ تَرَزُّونَهُمْ؛ به فرزندان خوی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید». (محدث نوری: ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۷۰)

در این روایت، والدین به عنوان کسانی معرفی شده‌اند که از نظر معنوی نفوذ انکارناپذیری روی فرزندان خودشان دارند، با توجه به همین نفوذ معنوی می‌توانند الگوهای مناسبی برای آنان باشند.

پس از والدین، شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی‌اند، نقش الگویی بسزایی در تربیت بازی می‌کنند، به گونه‌ای که تمام ویژگی‌هایی فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان مورد تقلید قرار می‌گیرد.

به همین دلیل است که نقش الگوها حساس‌ترین نقش تربیتی است تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد مردم را به فساد می‌کشانند. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ الْأُمَرَاءُ وَالْقُرَاءُ؛ دو گروه از امت من هستند که چون صالح شوند، امتم صالح شود و چون فاسد شوند، امتم فاسد شود زمامداران و قاریان قرآن». (حر عاملی: ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۱۸۸)

از این روایات نتیجه می‌گیریم که الگوها چه در بُعد مثبت و سازندگی و چه در بُعد منفی و مخرب تأثیرگذار است و فرزندان از آنان در زندگی آینده خود الگوگیری می‌کنند و اینجاست که مسئولیت مربیان اسلامی به عنوان منادیان معارف الهی بسیار سنگین خواهد بود.

۳.۳. روش تذکر

از روش‌هایی که انسان، نوجوانان و جوانان را به سمت تربیت دینی و اتصاف به صفات الهی یاری می‌کند، روش تذکر است، یعنی یادآوری خدای متعال و نعمت‌هایش و یادآور شدن مرگ و پیامدهایش.

برای ذکر و تذکر معانی متعددی را بیان کرده‌اند، ما آن معنایی را که نزدیک به موضوع باشد بیان می‌کنیم:

ذکر مناسب مقام، به چیزی گفته می‌شود که قبلاً در ذهن حاضر بوده، ولی الان از ذهن رفته؛ در واقع به معنای یادآوری و حضور مطلبی قبلی در ذهن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۶، ماده ذکر)

با توجه به معنای ذکر که یادآوری باشد اکنون درصدد بیان نقش و تأثیرگذاری آن در تربیت هستیم.

اگر بخواهیم نقش تذکر در تربیت را مورد بررسی قرار دهیم، بحث مفصل می‌گردد؛ بنابراین به طور خلاصه می‌گوییم:

انسان به سبب فرورفتن در تاریکی‌ها و تاریکی‌های شیطانی، از خدای متعال و نعمت‌هایش غافل شده و بر اثر این غفلت در دام شیاطین گرفتار می‌گردد، لذا برای بازگشت انسان به اصل و فطرت خود، تذکر باعث برگشت او به فطرت واصل خویش

خواهد، خداوند کسانی را که دچار غفلت گردیده مورد نکوهش قرار داده و فرموده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾. (حشر: ۱۹)

«و همچون کسانی که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد نباشید و آن‌ها فاسق و گنهکارند».

نجات انسان در گرو بازگشت مجدد به حقایق هستی و خالق خویش خواهد بود، تذکر می‌تواند او را در مسیر تربیت دینی و الهی قرار داده و سعادت وی را تأمین کند، قرآن کریم، ذکر است و پیامبر گرامی اسلام ﷺ مَذَكِّرٌ و یادآوری کننده فطرت پاک انسان به وی، مریبان اسلامی نیز چون وارثان انبیای الهی هستند همین مسیر را باید برای هدایت انسان‌ها مخصوصاً فرزندان مسلمان بپیمایند.

۴.۳. روش عبرت

از جمله روش‌هایی تربیتی بیان شده در قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام روش عبرت است که با نظر به دگرگونی‌های زندگی، حوادث و تحولات تاریخی، احوال امت‌ها، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، سرنوشت و فرجام قدرتمندان و بیدادگران و همانند این‌ها شکل می‌گیرد و هرکس را که اهل دیدن و اندیشیدن و دریافتن است راه می‌نماید و از بدی به نیکی و از تاریکی به روشنایی سیر می‌دهد.

چنانکه خداوند، انسان‌ها را به این حقیقت متوجه کرده و می‌فرماید: ﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾. (حشر: ۲) «پس ای اهل بصیرت، عبرت بگیرید»

«عبرت» از ماده «عبر» است و اصل این واژه به معنای گذشتن از حالی به حالی است، از شناخت چیزی که دیده شده است، به شناخت چیزی که در گذشته رخ داده و دیده نشده است واصل می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۸۳)

نقش عبرت در تربیت دینی را در یک جمله از امیرمؤمنان علیه‌السلام بیان می‌کنیم که ما را به ارزنده بودن این روش تربیتی بیش از پیش آشنا می‌سازد، حضرت علیه‌السلام چنین فرموده است: «إِلَّا غَتَبَارُ مُنْذِرٌ نَّاصِحٌ مَنْ تَفَكَّرَ اغْتَبَرَ وَ مَنْ اغْتَبَرَ اغْتَزَلَ وَ مَنْ اغْتَزَلَ سَلِمَ الْعَجَبُ؛ عبرت بیم‌دهنده خیرخواه است؛ هر که (در حوادث و آنچه بر دیگران رفته است) بیندیشد، عبرت گیرد و هر که عبرت گیرد خود را (از سرنوشت بد دیگران) دورنگه دارد و هر که خود را (از بدی‌ها) دورنگه دارد به سلامت ماند». (مجلسی: ۱۴۰۴ق، ج ۷۵: ۹۲)

از این قبیل روایات برمی‌آید که همه و به خصوص مربیان و والدین وظیفه‌دارند از این روش‌هایی تربیتی برای تربیت فرزندانشان استفاده کنند و آنان را با خدا، تکالیف دینی، اخلاق و رفتار دینی، آداب معاشرت و مانند آن آشنا سازند.

۳.۵. روش موعظه و نصیحت

از دیگر، روش‌هایی کاربردی، در تربیت دو نسل جوان و نوجوان، پند و اندرز دادن فرزندان است. موعظه، دل را صفا و جلا می‌دهد و زمینه مناسبی برای پذیرش دستورات دینی در جوان و نوجوان ایجاد می‌کند.

در زمینه موعظه و نصیحت به یک نمونه قرآنی از به کارگیری روش گفتاری در پند و اندرز مواعظ اشاره می‌کنیم و آن مواعظ حضرت لقمان به فرزند خویش است. در این مواعظ، ضمن تذکر به فرزندش به شرک نوزیدن به خداوند، نیکی به پدر و مادر و مانند آن، تصریح گردیده است:

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾. (لقمان:)

پسرم! نماز را بر پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است.

(پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

(پسرم!) در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

در سیره معصومین علیهم‌السلام نیز مواعظ موجز و مؤثر فراوان وجود دارد که هرکدام به نوبه خود تأثیری شگرف در صیقل دادن جان آدمی دارد.

توجه به این مطلب نیز ضروری است که تفاوت بین روش‌های تذکر، عبرت و موعظه، بسیار دقیق و ظریف است، زیرا تذکر مربوط به یادآوری چیزهای است که قبلاً در ذهن بوده و الان فراموش شده، عبرت پند گرفتن از گذشته‌ها و یا حال برخی از افراد و یا ملل

است و موعظه روش شفاهی، کتبی و تصویری است که با مخاطب موضوعی مطرح می‌گردد، بنابراین، این سه روش مستقل بوده و تداخلی در هم دیگر پیدا نمی‌کنند.

۳.۶. روش محبت

مؤثرترین روش در تربیت دینی، روش محبت است. گر چند ممکن است گفته شود که محبت زمینه‌ساز تربیت است و نه به عنوان یک روش، در پاسخ می‌توان چنین اظهار داشت که محبت به گونه‌های مختلف مثبت و منفی قابل تقسیم است. آنچه به عنوان یک روش تربیتی مطرح است مهرورزی‌های مثبت است که حائز اهمیت است. به عبارت دیگر برخی از محبت‌ها به جا و شایسته است؛ بدین معنا آن محبتی که انسان را وادار به سوء استفاده نکند، مثل محبت‌های خیلی افراطی که بدون در نظر گرفتن شرایط طرف مقابل مورد محبت قرار می‌گیرد، والدینی که محبت‌های افراطی و نسنجیده دارند از نوع محبت منفی تلقی می‌شود و همین محبت نسنجیده زمینه سوء استفاده فرزند را هموار می‌کند، در نتیجه آن محبتی آثار تربیتی دارد که سنجیده و بجا باشد.

خود محبت کردن نسبت به شخص و فردی شیوه‌ها و روش‌های مختلفی دارد که به برخی از شیوه‌های مؤثر محبت به طور گذرا اشاره می‌نماییم:

- دست نوازش کشیدن بر سر کودکان (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۱: ۹۹)

- در آغوش گرفتن (نهج البلاغه، خطبه قاصعه)

- بوسیدن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱: ۴۸۴)

- بازی با کودکان؛ چنان که یعلی بن عامری نقل می‌کند:

من از حضور پیغمبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ خارج و متوجه آنجایی که مهمان بودم شدم. ناگاه دیدم امام حسین ﷺ با کودکان مشغول بازی است. پیغمبر خدا ﷺ نزد آن جمعیت آمد و دست‌های خود را باز کرد که امام حسین را بگیرد، امام حسین ﷺ از این طرف به آن طرف فرار می‌کرد، پیامبر خدا ﷺ همچنان می‌خندید تا امام حسین ﷺ را گرفت، آن‌گاه یکی از دست‌های خود را زیر گلوئی او و دست دیگر را پشت سر آن حضرت گرفت و دهان خود را به دهان حسین ﷺ نهاد و او را بوسید. آن‌گاه فرمود: حسین از من و من از حسین هستم. خدا دوست بدارد آن کسی را که حسین را دوست داشته باشد، حسین یکی از اسباط است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ۲۷۱)

علاوه بر روش‌هایی فوق برای محبت کردن، شیوه‌هایی دیگری هم وجود دارد که نیاز به ذکر آن‌ها نیست.

۳.۷. روش تشویق

مفهوم تشویق در لغت یعنی آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن. (احمدی) در اصطلاح، تشویق را عاملی که بتواند منشأ ایجاد ذوق و شوق، تحرک و امید و علاقه در انسان شود ذکر کرده‌اند. (قائمی)

روش تشویق راهی مناسب در برانگیختن انسان به سوی خیر و صلاح و بازداشتن آدمی از شر و فساد است و چنانچه این روش به‌درستی و بر اساس آداب آن به کار گرفته شود، نقشی مؤثر و مفید در تربیت و سازندگی شخصیت انسان‌ها دارد، خداوند فرموده است:

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾. (انعام: ۴۸ و ۴۹)

«ما پیامبران را جز برای «بشارت» و «بیم» نمی‌فرستیم آن‌ها که ایمان آورند و (خوب‌تر) اصلاح کنند نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند؛ و آن‌ها که آیات ما را تکذیب کردند عذاب (پروردگار) به خاطر نافرمانی‌ها به آنان می‌رسد».

در این آیه مبارکه هم به روش تشویق و همان‌گونه به روش تنبیه نیز اشاره شده و آیات و روایات فراوان دیگری که ذکر آن‌ها باعث طولانی شدن بحث خواهد بود. از روش‌هایی مؤثر در تربیت دینی، روش تشویق است که مایه دلگرمی و حرکت انسان تشویق شده به اهداف معین و مثبت می‌گردد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره به مالک اشتر چنین سفارش کرده است:

﴿وَوَاصِلٌ مِنْ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَتَعْدِيدِ مَا أُنْبِئُ دُؤُوَ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ فِعَالِهِمْ تَهْزُ الشُّجَاعَ وَتُحَرِّضُ النَّاكِلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، أَنَانِ رَا بِه نِيكُوِيِي يَاد كِن وَ پِيوسْتِه تشويقشان نما و كارهاي مهمي كه انجام داده‌اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزند و از کارمانده را به خواست خدا (به کار و تلاش) ترغیب نماید».

(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ۵۱)

البته روش تشویق مراتبی دارد که با رعایت آن مراتب اثربخش خواهد بود، بدون در نظر گرفتن مراتب آن قطعاً مثمر ثمر نیست.

روش تشویق به گونه‌ای است که هم در کودکان، جوانان و نوجوانان وهم در بزرگسالان قابل تطبیق است و مایه دلگرمی و ترقی و تکامل در همه سنین خواهد بود.

۳.۸. روش تنبیه

روش تنبیه، دیگر از روش‌هایی قابل طرح در تربیت دینی نوجوانان و جوانان خانواده-های مسلمان است. (بهشتی) که با رعایت مراتب و موارد آن تأثیر شگرفی در تربیت دارد. تنبیه، از ماده «نبه» به معنای بیدار کردن از خواب، آگاه ساختن، توجه دادن و برانگیختن است. (طریحی، ۱۳۷۵، واژه نبه)

و در اصطلاح یعنی هر عاملی که باعث تضعیف یا تحدید یک رفتار نامطلوب شود و یا به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد. (افروز)

و یا مجازات کردن انسانی است که کارهای ناپسندی را انجام داده است و این مجازات به خاطر جلوگیری از تکرار جرم است.

آدمی به لحاظ وجود کشش‌های مختلف درونی، در برخورد با حوادث و مسائل زندگی و ظواهر دل‌فریب آن، همواره در معرض ارتکاب گناه، تخطی از مسئولیت و وظیفه و بالاخره لغزش و اشتباه است. در چنین شرایطی است که باید به طریقی، جلو سقوط و انحطاط او را که سعادت و رستگاری دیگران را نیز تهدید می‌کند، گرفت؛ آخرین و قطعی‌ترین وسیله که در این باره به کار می‌آید، روش تنبیه است.

وقتی صحبت از مسئله تنبیه می‌شود، غالباً به موضوع تنبیهات بدنی می‌اندیشند و حال آنکه برای یک مبلغ و مربی هوشیار و با تجربه، راه‌های مؤثر و متنوعی برای تنبیه وجود دارد که از بیشترین بازدهی تربیتی و کمترین اثرات منفی برخوردار باشد، بدون آنکه نیازی به استفاده از تنبیه بدنی پیش آید.

در روایت می‌خوانیم که کسی از دست پسرش نزد حضرت امام کاظم علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود: «لَا تَضْرِبُهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تَطْلُبْ؛ او را نزن. از او دوری کن، ولی دوری و قهر تو طول نکشد». (مجلسی: ۱۴۰۴، ق، ج ۱۰۱: ۹۹)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خردمند به ادب (درس و تعلیم) پند می‌گیرد، ولی چارپایان جز به زدن پند نمی‌گیرند». (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵۵۲)

در این دو روایت ملاحظه می‌کنیم که از تنبیه بدنی نهی شده‌ایم و از آن بر حذر داشته شده‌ایم و خلاف تصوراتی که از تنبیه وجود دارد، ائمه علیهم‌السلام ما را از مرتکب شدن آن نهی کرده‌اند، البته در برخی موارد تجویز شده است.

روان‌شناسان و مربیان علوم تربیتی برای روش تربیتی تنبیه مراحل و مراتبی را در نظر گرفته‌اند که با رعایت آن نکات، تنبیه نیز هدفمند خواهد شد.

به کارگیری نکات یادشده برای تشویق و تنبیه، فرزندان ما را به سوی تربیت صحیح و مطلوب سوق خواهد داد و غفلت از آن‌ها، روند رشد تربیت دینی را بسیار کند خواهد کرد.

۹.۳. روش تفکر در طبیعت

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند. ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می‌کند. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرن‌ها اهمیت و حساسیت آن شناخته شده و خبر از این حقیقت می‌دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده‌ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آن‌ها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبیر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است. از این‌رو در آیات مختلف به تدبیر و تفکر در طبیعت دستور داده است. چه آن‌ها که به تفکر در مجموعه خلقت امر کرده و چه آن‌ها که به اندیشه در جزء جزء آن، مانند زنبور عسل، شتر، کوه‌ها و نهرها، درختان و میوه‌ها، باران، آفتاب و ماه، خواب و غیر آن فرمان داده است. (آل عمران: ۱۹۱؛ رعد، ۳؛ نحل: ۱۰، ۱۱ و ۶۹؛ غاشیه: ۲۰-۱۷؛ نبأ: ۱۶-۶)

این روش، از روش‌های بسیار مهم در تربیت است که انسان و به خصوص متری را به سمت هستی‌شناسی سوق می‌دهد.

۱۰.۳. روش تکریم و احترام

رعایت حرمت و احترام متری را برخی به عنوان اصل تربیتی مطرح کرده‌اند و برخی نیز آن را جزء روش‌ها به شمار آورده‌اند. در اینجا ما آن را به عنوان روش تربیتی مطرح می‌کنیم که یکی از روش‌های مؤثر در تربیت است. (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۰۷)

کرم در لغت به شرف در خود شیء یا شرافت در خلقی از اخلاق آمده است. (ابن فارس، ۱۳۸۷، واژه کرم) اما در اصطلاح دینی مقابل سستی و پستی قرار می‌گیرد، چنان که عزت مقابل ذلت است و کرامت، عزت، و شرافت در خود شیء بدون توجه و مقایسه با دیگری است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ذیل واژه کرم) پس کرامت همان دوری از پستی و فرومایگی است. در فارسی، روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را کریم می‌گویند و یا هر چیزی که درد خود شرافت داشته باشد متصف به کرامت می‌شود. (راغب اصفهانی: ۱۳۸۵)

احترام و تکریم شخصیت انسان یکی از شیوه‌های تربیتی آیین حیات‌بخش اسلام است و آموزه‌های قرآنی بر پایه و اصول احترام به انسان و کرامت انسانی بنانهاده شده است.

خداوند متعال در قرآن کریم انسان را مورد تکریم و ستایش خود قرار داده، می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾. (اسراء: ۷۰)

«ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

از نظر اسلام کودکان و نوجوانان هم شایسته کرامت و احترام هستند و باید به احساسات آنان احترام گذاشت. والدین در این خصوص وظیفه مهم و خطیری بر عهده دارند، آنان باید شخصیت کودک را مورد توجه قرار داده، بر اساس اصل کرامت و حرمت انسان با او رفتار کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان‌تان را گرامی بدارید و آنان را نیکو تربیت و ادب کنید تا آمرزیده شوید.» (حر عاملی: ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۱۹۵) بنابراین روش احترام و تکریم متربی، یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی است که رعایت و به کارگیری آن می‌تواند تربیت مطلوب و مورد انتظار مربی را رقم بزند.

نتیجه‌گیری

تربیت که اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز بشریت است علاوه بر مبانی، اهداف، اصول، ساخت‌ها، مستلزم روش‌های خاصی بوده که به برخی از آن‌ها اجمالاً اشاره شد؛ روش‌هایی همچون بصیرت‌دهی، معرفی الگوهای تربیتی و دینی، تذکر و یادآوری نعمت‌ها، قدرت الهی در عالم وجود، عبرت دهی از رخداد‌های تاریخی در زندگی اقوام، ملل، امت‌ها و حکومت‌ها و گذشتگان، تماماً بیانگر معرفی روش عبرت‌آموزی و پنددهی در تربیت متربی است. موعظه و نصیحت نیز خود روش دیگری از روش‌های تربیت را شکل داده و متربی را به سمت هدف مطلوب سوق دهد. محبت و ایجاد آن با معیارهای سنجیده تأثیر فوق‌العاده در تربیت خواهد داشت. تشویق و تنبیه متربی دو روش تأثیرگذار در تربیت متربی هستند. تفکر در طبیعت و زیبایی‌های آفرینش انسان را وارد به پذیرش قدرت بی‌نهایت خدای متعال می‌نماید. تکریم و احترام روش کاربردی و مهمی است که باعث نیل متربی به ارزش‌های تربیتی و اخلاقی خواهد شد.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 صحیفه سجادیه
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبۃ آیه الله المرعشی النجفی.
 - اعرافی، علیرضا و دیگران (۱۳۸۹)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- احمدی، سید احمد (۱۳۶۴)، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، *روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان*، انجمن اولیاء و مربیان.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلام*، ج ۸، تهران: انتشارات مدرسه.
- جمال خوانساری، محمدبن حسین (۱۳۶۶)، *شرح غررالحکم*، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- حکیمی، محمد (۱)، *فرازهایی از سخنان امام رضا (علیه السلام)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۹۳)، *روش‌های تربیتی در قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد (۱۳۸۳)، *سیره تربیتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)* تربیت دینی، ج ۱، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغتنامه*، انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶)، *مفردات الفاظ القرآن*، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، نشر سبحان.
- قائمی، علی، *سلسله مقالات اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی*، مجله پیوند، شماره ۱۸۴، ۱۸۵.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*، مشهد: انتشارات آستان قدس.

- صدوق، بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین ابن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه الرضویه.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ج ۸، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، ج ۲، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).